

طرح تلفیق داوری و مشاوره در دادگاه خانواده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۰ فرج الله هدایت‌نیا*

چکیده

اصل بیست و یکم قانون اساسی فلسفه وجودی و وظیفه ذاتی دادگاه خانواده را «حفظ کيان و بقای خانواده» شمرده است. این هدف مقدس نیازمند ایجاد سازوکارهای ویژه‌ای است که قانون جدید حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ آن را پیش‌بینی کرده است. مطابق مقررات این قانون «دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و قاضی مشاور زن تشکیل می‌گردد». همچنین دو مرکز داوری و مشاوره، دادگاه خانواده را برای نیل به هدف مذکور یاری می‌رسانند. سابقه تقنینی داوری در دعاوی خانواده به سال‌های پیش از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد و در تحولات حقوقی پس از انقلاب نیز همواره مورد توجه قرار داشته؛ ولی مرکز مشاوره برای دادگاه خانواده از نوآوری‌های قانون جدید حمایت خانواده است. ساختار و صلاحیت‌های این دو مرجع به گونه‌ای است که کارآمدی آن را با تردید مواجه می‌سازد. این نوشتار ضمن تبیین مشکلات ساختاری تفکیک دو مرکز مزبور، طرح تلفیق مراکز مشاوره و داوری و ظرفیت‌های آن را مورد مطالعه قرار داده است.

واژگان کلیدی: دادگاه خانواده، مشاوره، خانواده، مرکز داوری، مرکز مشاوره.

مقدمه

به صراحت اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فلسفه تشکیل دادگاه خانواده «حفظ کیان و بقای خانواده» است. این هدف اقتضا دارد که سازمان و ساختار دادگاه خانواده به گونه‌ای طراحی شود که بتواند در فرایند اصدار و اجرای حکم، مصالح کلان خانواده را مراعات نماید و به استواری پیوند همسری بینجامد. نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران درباره این امر خطیر تجربیات متعددی را پشت سر گذاشت؛ از قانون تشکیل دادگاه مدنی خاص (۱۳۵۸/۷/۸) تا قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه خانواده (۱۳۷۶/۵/۱۹)، و در نهایت دادگاه خانواده در قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱/۱۲/۹).

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، تشکیلات و ساختار دادگاه خانواده را پیش‌بینی کرده است. مطابق ماده ۲ این قانون: «دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و قاضی مشاور زن تشکیل می‌گردد». همچنین مطابق ماده ۱۶ این قانون: «به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش، قوه قضائیه موظف است ظرف سه سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، مراکز مشاوره خانواده را در کنار دادگاه‌های خانواده ایجاد کند». نیز بر اساس ماده ۲۷ این قانون: «در کلیه موارد درخواست طلاق به جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع کند...».

سابقه تقنینی داوری در دعاوی خانواده به سال‌های پیش از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد و در تحولات حقوقی پس از انقلاب اسلامی نیز همواره مورد توجه قرار داشته است. سابقه تقنینی مرکز مشاوره برای دادگاه خانواده نیز به قانون تشکیل واحد ارشاد و امداد در کنار دادگاه‌های مدنی خاص (مصوب ۱۳۷۰) بازمی‌گردد؛ لکن این قانون فرصت اجرا نیافت؛

بنابراین مرکز مشاوره یک تجربه جدید و مثبت در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران محسوب می گردد.

وجود دو مرجع با هدف مشترک پیشگیری از طلاق به تداخل در صلاحیت منجر می شود. به همین دلیل قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ سعی کرده است میان صلاحیت دو مرجع یادشده مرزبندی نماید؛ بدین صورت که دادخواست طلاق توافقی به مرکز مشاوره و سایر انواع طلاق به داوری ارجاع می گردد. این سازوکار مبنای روشنی ندارد و سودمند نیست؛ زیرا طرفین می توانند با توافق بر طلاق، به جای ارجاع پرونده به داوری آن را در مسیر مرکز مشاوره قرار دهند. نیز می توانند به صورت صوری یکی متقاضی طلاق و دیگری با آن مخالف نماید تا پرونده در مسیر داوری قرار گیرد. توافق و تبانی آنان در این مورد ممکن است به دلایلی مثل سرعت در حصول نتیجه باشد.

از سوی دیگر، چنین به نظر می رسد که قانونگذار نهاد داوری را برای پیشگیری از طلاق کافی ندانست و مرکز مشاوره را نیز در کنار آن ایجاد کرده است. درحالی که می توانست از طریق رفع نقایص مقررات مربوط به داوری، این نهاد دیرپا و قرآنی را تقویت نماید. داوری با توجه به شروطی که برای داوران یا حکمین در فقه اسلامی بیان گردید، مشاوره را نیز با خود دارد و ما را از مرکز دیگری در عرض داوری بی نیاز می سازد.

نگارنده گمان می کند دو مرجع مشاوره و داوری در قانون حمایت خانواده هر کدام از ظرفیت نسبی برخوردار و هر کدام قادر هستند پاره ای از مشکلات خانواده را رفع نموده، ولی نسبت به برخی مشکلات دیگر ناکارآمد هستند؛ به ویژه نهاد داوری در محاکم خانواده که با توجه به تجربیات موجود فاقد کارآیی لازم است. چاره کار آن است که این دو مرجع در هم ادغام گردد و از طریق تلفیق آنها مرکز جامعی ایجاد شود که واجد ویژگی ها و ظرفیت های هر دو بوده و از عیوب هریک مبرا باشد. تلفیق مراکز داوری و مشاوره گام

مؤثری در جهت کارآمدی دادگاه خانواده در حفظ کیان و بقای خانواده خواهد بود. برای تبیین طرح تلفیق مراکز مشاوره و داوری، لازم است نخست ساختار، صلاحیت‌ها و آسیب‌های هر کدام بررسی گردد. بر این اساس، مباحث این نوشتار در سه قسمت سامان می‌یابد. در قسمت نخست، مقررات مربوط به داوری و مشاوره در قانون حمایت خانواده فعلی تبیین می‌گردد. سپس مشکلات تفکیک مراکز مزبور تشریح شده و در نهایت ساختار و ظرفیت‌های مرکز جامع داوری و مشاوره بررسی خواهد شد.

۱. تفکیک داوری و مشاوره در قانون حمایت خانواده

قانون حمایت خانواده جدید برای پیشگیری از طلاق دو مرکز پیش‌بینی کرده است؛ یکی داوری و دیگر مرکز مشاوره. در قسمت نخست نوشتار، مقررات مربوط به ساختار و صلاحیت‌های هریک بررسی خواهد شد.

۱.۱. داوری در قانون حمایت خانواده

داوری نهادی دیرپا در ساختار دادگاه خانواده ایران است که از حکمیت در قرآن کریم الگوبرداری شده است. پیشینه حقوقی داوری، شرایط و وظایف داوران در قانون کنونی تبیین می‌گردد و در ادامه آن، کارآمدی داوری در مدیریت مشکلات خانواده ارزیابی خواهد شد.

۱.۱.۱. پیشینه حقوقی داوری در دعاوی خانواده

داوری در حقوق خانواده ایران دارای پیشینه و تحولات حقوقی است. در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ مقررات مفصلی راجع به داوری بیان شده است. ماده ۶۷۶ این قانون درباره داوری در اختلافات خانوادگی به شرح زیر است: «در موارد اختلاف بین زن و شوهر راجع به سوءرفتار و عدم تمکین و نفقه و کسوه و سکنی و نیز هزینه طفلی که در عهده شوهر و در حضانت زن باشد، از طرف هریک از زوجین طرح شود، دادگاه‌ها

می‌توانند به درخواست هریک از طرفین، دعوی را به داوری ارجاع نموده و در صورت عدم تراضی آنها در تعیین داور لااقل دو نفر را از بین اقرباء طرفین و در صورتی که در محل سکونت خود اقرباء نداشته باشند، از اشخاصی که با آنها معاشرت و دوستی دارند، تعیین کنند....».

در قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۵۳ نیز به داوری اشاره شده است. در ماده پنجم این قانون چنین آمده است: «دادگاه در صورت تقاضای هریک از طرفین مکلف است، موضوع دعوی را به استثنا رسیدگی به اصل نکاح و طلاق به یک تا سه داور ارجاع نماید. همچنین دادگاه در صورتی که مقتضی بداند راساً نیز دعوی را به داور ارجاع خواهد کرد....».

در قوانین پس از انقلاب اسلامی نیز داوری مورد توجه بوده است. در نخستین سال‌های پس از انقلاب اسلامی قانونگذار اقدام به اصلاح مقررات مربوط به داوری در دعاوی خانواده نموده است. در تبصره ۲ ماده ۵ لایحه قانون دادگاه مدنی خاص (الحاقی ۱۳۶۰/۷/۲۱) داوری تحت شرایطی الزامی شده است.^۱ در این قانون آمده است: «... در مواردی که شوهر به استناد ماده ۱۱۳۳ ق.م. تقاضای طلاق می‌کند، دادگاه بدو حسب آیه کریمه: "فَاتَّبِعُوا حُكْمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحُكْمًا مِّنْ أَهْلِهَا" (نساء: ۳۵) موضوع را به داوری ارجاع می‌کند و در صورتی که بین زوجین سازش حاصل نشود، اجازه طلاق به زوج خواهد داد؛ در مواردی که بین زوجین راجع به طلاق توافق شده باشد، مراجعه به دادگاه لازم نیست».

همچنین در ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (مصوب ۱۳۷۱)، بار دیگر مقررات مربوط به داوری اصلاح گردید. این قانون در باره داوری گفته است: «از تاریخ

۱. در مورد الزامی بودن داوری و مبانی آن ر.ک: فرج‌الله هدایت‌نیا، «داوری اجباری در دعاوی خانوادگی»، مجله تخصصی فقه و حقوق، شماره ۷، ۱۳۸۵.

تصویب این قانون زوج‌هایی که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر را دارند، بایستی جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه دعوی نمایند. چنانچه اختلاف فیما بین از طریق دادگاه و حکمین، از دو طرف که برگزیده دادگاهند - آن‌طور که قرآن کریم فرموده است - حل و فصل نگردید، دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد. دفاتر رسمی طلاق حق ثبت طلاق‌هایی را که گواهی عدم امکان سازش برای آنها صادر نشده است، ندارند. در غیر این صورت از سردفتر خاطی، سلب صلاحیت به عمل خواهد آمد».

آخرین قانون مربوط به داوری قانون حمایت خانواده جدید است که مقررات آن در ادامه تبیین می‌شود.

۱.۱.۲. شرایط و وظایف داوران در قانون حمایت خانواده

الف) شرایط داوران: مطابق ماده ۲۸ قانون حمایت خانواده، داوران باید حداقل «سی سال» داشته و «آشنا به مسائل شرعی و خانوادگی و اجتماعی» باشند. مطابق تبصره ۲ این قانون: «در صورت نبود فرد واجد شرایط در بین اقارب یا عدم دسترسی به ایشان یا استنکاف آنان از پذیرش داوری، هریک از زوجین می‌توانند داور خود را از بین افراد واجد صلاحیت دیگر تعیین و معرفی کنند. در صورت امتناع زوجین از معرفی داور یا عدم توانایی آنان، دادگاه خود یا به درخواست هریک از طرفین به تعیین داور مبادرت می‌کند».

قانون فعلی شرایط داوران را از آنچه در مقررات سابق ذکر شد، تنزل داده؛ زیرا مطابق ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۹)، حداقل سن برای داوری چهل سال بوده^۱ و در قانون جدید به سی سال کاهش یافته است.

۱. ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت خانواده با اشاره به شرایط داوران بیان داشته است: «داوران منتخب و یا منصوب باید واجد شرایط زیر باشند: ۱. مسلمان، ۲. آشنایی نسبی به مسائل شرعی، خانوادگی و اجتماعی، ۳. حداقل

بعید به نظر می‌رسد که فرد سی‌ساله از تجربه کافی برای ایفای نقش داوری برخوردار باشد. شرایط داوری در قانون با آنچه از قرآن کریم درباره شرایط حکمین استنباط می‌گردد، همخوانی ندارد. از آیه ۳۴ سوره مبارکه دو شرط برای حکمین استنباط می‌گردد. شرط نخست «قربت» است. بیان قرآن در این باره صریح است: «فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا». بعضی بر اساس ظاهر آیه شریفه به وجوب قربت فتوا داده (حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۷۲۹) یا این قول را راجع شمرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۲ق: ج ۷، ص ۴۰۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۹ق: ج ۱۰، ص ۴۸۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ص ۵۶۱؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ص ۴۲۱). مشهور فقهای امامیه و عامه انتخاب حکم از فامیل و اهل را مستحب دانسته‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵ق: ج ۲۴، ص ۶۳۴؛ محقق سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۱۹۰). همین نظریه در منابع اهل سنت نیز دیده می‌شود (ابن قدامه، بی‌تا: ج ۸، ص ۱۷۰ - ۱۷۱؛ زیدان، ۱۴۲۰ق: ج ۸، ص ۴۱۹).

شرط دوم «خبرویت» است. این شرط از واژه «حکم» در آیه مزبور قابل استنباط است. همان‌طور که بعضی اشاره کرده‌اند، مراد از حکم در مقام، حاکم شرعی نیست، بلکه این کلمه از احکام یعنی منع از تنافر و تخاصم میان زوجین است؛ یعنی کسی که توانایی رفع شقاق و ایجاد وفاق را دارا بوده، در جهت اصلاح میان زوجین «خبره» باشد (سبزواری، ۱۴۱۳ق: ج ۲۵، ص ۲۳۱).

ب) وظایف و صلاحیت‌های داوران: بر اساس ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده، «در کلیه موارد درخواست طلاق، به جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع کند. دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد کند». مطابق ماده ۱۴ آیین‌نامه

اجرایی قانون حمایت خانواده، «داوران موظفند با تشکیل جلسه یا جلسات متعدد با حضور زوجین و در صورت امتناع، بدون حضور زوجین یا یکی از آنان، در جهت رفع اختلاف و اصلاح ذات‌البین تلاش کنند و نتیجه را در مهلت مقرر به دادگاه اعلام نمایند».

۱.۱.۳. کارکردسنجی مراکز داوری در دادگاه خانواده

نهاد داوری سال‌های متوالی است که در محاکم خانواده به ایفای نقش می‌پردازد، ولی نتوانست آن‌طور که باید گرهی از مشکلات خانواده باز نموده و در ایجاد سازش میان زوجین کم‌توفیق بوده است. آمارهای زیر درستی این ادعا را نشان می‌دهد:^۱

فراوانی و درصد دادنامه‌های طلاق از جهت وضعیت ارجاع به داوری

ردیف	وضعیت ارجاع	تعداد	درصد
۱	عدم ارجاع به داوری (به دلیل عدم حضور خوانده)	۴۴	۲۹/۵۴
۲	ارجاع به داوری	۱۰۵	۷۰/۴۶
جمع کل			۱۴۹
			۱۰۰٪

فراوانی و درصد نتیجه موفقیت داوران

ردیف	نتیجه	تعداد	درصد
۱	صدور گواهی عدم امکان سازش	۱۰۴	۹۹/۰۴
۲	گزارش اصلاحی	۱	۰/۶

۱. آمارهای فوق از مراجعات زوجین در دو ماه مرداد و شهریور سال ۱۳۸۳ در یکی از مجتمع‌های خانواده دادگستری تهران توسط نگارنده استخراج شده است (ر.ک: هدایت‌نیا، ۱۳۸۷: ۲۵۷).

جمع کل	۱۰۵	۱۰۰٪
--------	-----	------

همان‌طور که مشاهده می‌شود، از میان مواردی که به داوری ارجاع شد، تقریباً تمام موارد به صدور گواهی عدم امکان سازش منتهی شده است (۹۹ درصد). به طور روشن از ۱۰۵ موردی که به داوری ارجاع شده‌اند، فقط یک مورد اصلاح میان زوجین گزارش شده و در بقیه موارد، داوران رأی به عدم امکان سازش داده‌اند. اگرچه آمارهای ارائه‌شده مربوط به یکی از محاکم خانواده است، بررسی‌ها نشان می‌دهد در سایر محاکم خانواده نیز وضعیت مشابهی وجود دارد. هرچند آمارهای فوق مربوط به پیش از تصویب قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ است، قانون جدید در مورد شرایط و صلاحیت‌های داوران نوآوری ندارد؛ بنابراین بسیار بعید است در وضعیت آن تغییری رخ داده باشد.

دلایل عدم کارآیی داوری در محاکم خانواده به شرح زیر است:

الف) عدم رعایت شرط قرابت: در بیشتر موارد داوران با زوجین رابطه خویشاوندی ندارند و مهم‌ترین شرط قرآنی رعایت نمی‌شود. داوران غالباً کارمندان بازنشسته دادگستری یا منسوبین آنان هستند و ورودشان به داوری کاسب‌کارانه است. مطابق بیان قرآن کریم اگر حکمین قصد اصلاح داشته باشند، خدای متعال تلاش آنان را به نتیجه می‌رساند. درحالی‌که در بسیاری موارد، حکمین در نقش وکلای طرفین و با اغراض مادی در تسریع طلاق می‌کوشند.

ب) عدم رعایت شرط خبرویت: به لحاظ حقوقی شرط لازم برای داوری آشنایی نسبی با احکام خانواده است که قبلاً بیان گردید. به کسی که آشنایی نسبی به احکام خانواده دارد، خبره یا کارشناس اطلاق نمی‌شود و از وی انتظاری نیست که بتواند ریشه مشکلات را شناسایی و برای رفع آن راه‌حل ارائه نماید.

اگر دآوری آن‌طور که قرآن کریم بیان فرمود در دعاوی خانواده شکل گیرد، کارآمدی آن در رفع شقاق بسیار زیاد است؛ زیرا همان‌طور که اشاره شد، از نظر فقهی داور یا حکم فردی خبره یا کارشناس است و به همین دلیل قدرت تشخیص بالایی دارد. در کشور ما به جای تقویت نهاد دآوری و تلاش برای تطبیق آن با الگوی قرآنی، وضعیت آن به حال خود رها شده و در کنار آن هر از گاهی نهاد دیگری ایجاد می‌گردد، ولی مشکل همچنان باقی است.

۱.۲. مشاوره در قانون حمایت خانواده

مشاوره از مشورت، به معنی مراجعه بعضی به بعض دیگر در فکر و نظر است (قرشی، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ص ۸۸). بعضی واژه‌شناسان نوشته‌اند: «این معنی از عبارت "شُرْتُ الْعَسْلَ" به معنی بیرون کشیدن عسل از موم است. در مشورت نیز رأی و نظر از شخص طرف مشورت بیرون آورده می‌شود» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ص ۲۲۶؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ج ۴، ص ۴۳۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۶۹). بنابراین می‌توانیم مشاوره را به نظرخواهی تعبیر نماییم. نظرخواهی بر دو قسم عمومی و تخصصی است. در شکل عمومی، اشخاص در مسائل زندگی خود مانند سفر، معامله و نظایر آن از اطرافیان نظرخواهی می‌کنند. اما اگر مسئله مورد تصمیم‌گیری از مسائل فنی و پیچیده باشد، اطرافیان صاحب‌رأی و نظر نیستند. در این قبیل موارد به متخصصان مربوطه مراجعه می‌شود و مقصود از مشاوره تخصصی همین است.

در هر صورت مشورت مبنای عقلی دارد و آیات^۱ و روایات متعددی^۲ بر اهمیت آن

۱. مانند آیه ۴۳ سوره مبارکه نحل که با تأکید بر لزوم پرسش از داناان می‌فرماید: «... فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». همان‌طور که بعضی مفسران بیان نموده‌اند، آیه مذکور به يك اصل عمومی عقلایی رهنمون می‌کند و آن اصلی «رجوع به خبره» است (طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۲، ص ۲۵۹). ضرورت مشورت در روابط خانوادگی نیز مورد توصیه قرآن کریم است. در قسمتی از آیه ۲۳۳ سوره بقره آمده است: «...عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ...». نیز در آیه ۶ سوره طلاق آمده

دلالت دارد.

در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ برای دادگاه خانواده دو نهاد مشورتی پیش‌بینی شده است. یکی قاضی مشاور که موضوع بحث نیست،^۲ و دیگری کارشناسان مرکز مشاوره است. در قانون جدید فصلی به مراکز مشاوره خانوادگی اختصاص یافته است که به اختصار اهداف، ساختار و صلاحیت‌های مرکز مشاوره بیان می‌گردد.

۱.۲.۱. اهداف و ساختار مرکز مشاوره

در ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده، قوه قضائیه مکلف شده است که به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش، ظرف سه سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون مراکز مشاوره خانواده را در

است: «...وَأَتْمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ...».

۱. مانند سخنی از امام علی (علیه السلام) که فرمود: «مَنْ مَلَكَ اسْتَأْثَرَ وَمَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا؛ هر کس خودرأی باشد، هلاک می‌گردد، و هر کس با مردان مشورت کند، در عقل‌های آنان سهیم می‌شود» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۳۸).

۲. مطابق ماده ۲ این قانون «دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و قاضی مشاور زن تشکیل می‌گردد...». حضور قاضی مشاوره در دادگاه خانواده یک اقدام مثبت است. مطابق قانون قاضی مشاوره در انشاء رأی دخالتی ندارد، ولی قاضی صادرکننده رأی ملزم شده است نظر مشورتی وی را اخذ نموده و اگر با آن موافق نیست، دلایل آن را در رأی خود ذکر کند. تأکید بر جنسیت قاضی مشاور و اینکه وی باید «زن» باشد نیز نکته قابل توجهی است. با توجه به اینکه یکی از طرفین دعوی در محاکم خانواده زن است و موضوع دعوی نیز خانوادگی است، حضور مشاور قضایی زن در دادگاه می‌تواند در جهت شناسایی علت منازعه کمک مؤثری باشد. نظر تنظیم‌کنندگان لایحه حمایت خانواده در مورد ساختار دادگاه خانواده و روش اصدار حکم در آن بر «قضاوت شورایی» بوده است. در ماده ۲ لایحه پیشنهادی آمده بود: «دادگاه، خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و دو مستشار تشکیل می‌شود که حتی‌المقدور یکی از مستشاران دادگاه از بانوان دارنده پایه قضایی می‌باشد. رسمیت جلسه و صدور رأی با اکثریت امکان‌پذیر است». در اعتبار قضاوت شورایی به معنی اعتبار رأی اکثریت قضات تردید وجود دارد؛ مگر در مورد تعدد قضات با فرض اتفاق آراء آنان که بعضی فقها آن را «أَصْبَطُ» و «أَوْثَقُ» ارزیابی کرده‌اند (نجفی، ۱۳۷۴: ج ۴۰، ص ۵۹-۶۰؛ عاملی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۳، ص ۳۵۵). باین حال قانونگذار روش تعدد قضات در دادگاه خانواده را پذیرفته است و متن پیشنهادی به تصویب نرسید و قانون فعلی همان است که قبلاً ذکر گردید.

کنار دادگاه‌های خانواده ایجاد کند.^۱ بنابراین هدف از تشکیل مرکز مشاوره، کمک به دادگاه خانواده در وظیفه حفظ کیان و بقای خانواده است.

مطابق ماده ۱۷ این قانون، ترکیب اعضای مراکز مشاوره چنین است: «اعضای مراکز مشاوره خانواده از کارشناسان رشته‌های مختلف، مانند مطالعات خانواده، مشاوره، روان‌پزشکی، روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی، حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی انتخاب می‌شوند...». با توجه به عضویت متخصصان حوزه‌های مختلف مربوط به خانواده در مراکز مشاوره، این مرکز از ظرفیت بالایی در شناسایی علل اختلاف‌های خانوادگی برخوردار است. مطابق ماده ۳۱ آیین‌نامه اجرایی این قانون «هر مرکز مشاوره خانواده حداقل باید دارای سه عضو مشاور خانواده باشد. در صورتی که به هر دلیل تعداد مشاوران خانواده از حداقل مذکور کمتر شود، تا رسیدن به حد نصاب فعالیت مرکز یادشده معلق خواهند ماند». ظاهراً به همین دلیل در بسیاری از حوزه‌های قضایی، مراکز مشاوره به رغم انقضای مهلت تعیین شده هنوز تشکیل نشده است.

۱.۲.۲. کارکردهای مراکز مشاوره

از مواد قانون حمایت خانواده و آیین‌نامه اجرایی آن دو شأن متفاوت برای مراکز مشاوره قابل استخراج است: یکی ارائه خدمات مشاوره‌ای به زوجین و دیگری ارائه نظریه مشورتی یا کارشناسی به دادگاه خانواده.^۲ تفصیل مطلب در ادامه خواهد آمد.

۱. بر اساس تبصره ماده ۱۶ این قانون «در مناطقی که مراکز مشاوره خانواده وابسته به سازمان بهزیستی وجود دارد، دادگاه‌ها می‌توانند از ظرفیت این مراکز نیز استفاده کنند».

۲. البته در آیین‌نامه اجرایی این قانون وظایف متعددی برای مراکز مشاوره پیش‌بینی شده است که در مقایسه با آنچه در ماده ۱۸ قانون ذکر گردید، وظایف فرعی محسوب می‌شود. در ماده ۳۲ آیین‌نامه اجرایی آمده است: «مرکز امور مشاوران، علاوه بر وظایف و اختیارات فعلی، وظایف و اختیارات زیر را جهت ساماندهی امور مشاوران خانواده بر عهده دارد: الف) سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در امور مختلف مشاوره، موضوع قانون و آیین‌نامه؛ ب) برگزاری آزمون‌های علمی، مصاحبه و گزینش متقاضیان و احراز شرایط آنان؛ ج) برگزاری دوره‌های آموزشی و کارآموزی در

۱.۲.۲.۱. مشاوره به زوجین

ضرورت تأسیس مراکز مشاوره برای خانواده در اسناد و سیاست‌های کلی مربوط به خانواده مورد توجه قرار گرفته است. در قسمتی از تصویب‌نامه «اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن» مصوب پانصد و شصت و چهارمین جلسه مورخ ۱۳۸۴/۰۴/۰۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی بر «توسعه مراکز رسمی آموزش و مشاوره خانواده قبل و بعد از ازدواج با حمایت‌های دولت» تأکید شده است. همچنین در سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور (مصوب ۱۳۹۱) توجه خاصی به مسئله مشاوره در خانواده شده است. این سند راهبرد کلان سوم را به «تبیین، تشکیل، تحکیم، تعالی و ایمن‌سازی خانواده» اختصاص داده و ذیل آن الزامات حقوقی متعددی آورده است. از جمله «تدوین منشور مشاوره خانواده و توسعه کمی، ارتقا کیفی و اصلاح، سامان‌دهی و نظارت و پایش مراکز مشاوره ازدواج و خانواده و خدمات اجتماعی مبتنی بر مبانی، روش‌ها و فنون اسلامی مشاوره». همچنین در سیاست‌های کلی خانواده (ابلاغی مهرماه ۱۳۹۵) نیز به این موضوع اشاره شده است. در بند دهم این سند با تأکید بر ضرورت مشاوره در همه ابعاد آمده است: «ساماندهی نظام مشاوره‌ای و آموزش قبل، حین و پس از تشکیل خانواده و تسهیل دسترسی به آن بر اساس مبانی اسلامی - ایرانی در جهت استحکام خانواده».

تهران و سایر استان‌ها برای پذیرفته‌شدگان؛ د) اعطای مجوز تأسیس مرکز مشاوره خانواده و پروانه مشاور خانواده و نظارت بر عملکرد مشاوران خانواده؛ ه) لغو مجوز تأسیس مرکز مشاوره خانواده در موارد مذکور در آیین‌نامه؛ و) برگزاری مراسم تحلیف و اخذ تعهدنامه از دریافت‌کنندگان پروانه عضویت در مرکز مشاوره خانواده؛ ز) پیشنهاد تعرفه حق‌الزحمه مشاوران و اصلاح آن، هر سه سال یک بار به رئیس قوه قضائیه جهت تصویب؛ ح) تهیه و تنظیم دستورالعمل‌ها و پیشنهاد آن جهت تصویب به رئیس قوه قضائیه؛ ط) بررسی و پیشنهاد اعتبار مورد نیاز هر سال با همکاری معاونت‌های ذیربط قوه قضائیه جهت سیر مراحل بعدی؛ ی) هماهنگی و تعامل لازم با سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی مربوط به منظور پیشبرد اهداف مورد نظر؛ ک) ارزیابی وضعیت پیشرفت اجرای قانون و اعلام آن به رئیس قوه قضائیه؛ ل) پیشنهاد تعیین تکلیف موارد ضروری که در آیین‌نامه مسکوت است، به رئیس قوه قضائیه».

در قانون حمایت خانواده جدید، مراکز مشاوره موظف به ارائه خدمات مشاوره‌ای به زوجین شده‌اند. در بخش نخست ماده ۱۹ این قانون آمده است: «مراکز مشاوره خانواده ضمن ارائه خدمات مشاوره‌ای به زوجین، خواسته‌های دادگاه را در مهلت مقرر اجرا و در موارد مربوط سعی در ایجاد سازش می‌کنند...». همین مطلب در قسمتی از ماده ۴۶ آیین‌نامه اجرایی این قانون نیز دیده می‌شود.

۱.۲.۲.۲. مشاوره به دادگاه

بهره‌گیری از نظریه کارشناسان در دعاوی خانواده برای شناسایی علت منازعه، سال‌ها پیش در «طرح تشکیل واحد ارشاد و امداد در کنار دادگاه‌های مدنی خاص» مورد توجه قرار گرفته بود. این مقرر که در ۱۳۷۰/۹/۱۲ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید، یکی از اهداف تشکیل واحد ارشاد و امداد در کنار محاکم خانواده را «بررسی کارشناسانه دعاوی خانواده» خوانده است.^۱ باین حال این مصوبه فرصت اجرا پیدا نکرد. مطابق ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده، «در حوزه‌های قضائی که مراکز مشاوره خانواده ایجاد شده است، دادگاه خانواده می‌تواند در صورت لزوم با مشخص کردن موضوع اختلاف و تعیین مهلت، نظر این مراکز را در مورد امور و دعاوی خانوادگی خواستار شود». با توجه به متن ماده ۱۸، قضات محاکم، الزامی به ارجاع موضوع دعوی به مراکز مشاوره و اخذ نظریه کارشناسی ندارند. درعین حال محدودیتی نیز به لحاظ موضوع دعوی برای ارجاع به این مراکز وجود ندارد. بنابراین قضات به تشخیص خود می‌توانند هر نوع دعوی را

۱. در بخش اهداف این طرح آمده است: «... برای رعایت حقوق همه‌جانبه زن بر پایه موازین اسلامی که طبق اصل ۲۱ قانون اساسی و اصل ۱۵۶، دولت موظف به حفظ کيان و بقای خانواده و حمایت از مادران و فرزندان است و با هدف حسن اجرای فرمان حکمیت در دادگاه‌های مدنی خاص و با توجه به این موارد تشکیل واحد ارشاد و امداد در کنار دادگاه‌های مدنی خاص تصویب می‌گردد: ۱. اصلاح بین زوجین به منظور استحکام بنای خانواده و جلوگیری از شقاق؛ ۲. بررسی کارشناسانه دعاوی خانواده؛ ۳. کمک به تشخیص مصلحت کودک...».

به مراکز مشاوره ارجاع دهند.

قانون فعلی ارجاع دادخواست طلاق توافقی را به مراکز مشاوره الزامی دانسته است. مطابق ماده ۲۵ این قانون و نیز بر اساس ماده ۸ آیین نامه اجرایی آن، «در صورتی که زوجین متقاضی طلاق توافقی باشند، دادگاه باید موضوع را به مرکز مشاوره خانواده ارجاع دهد. در این موارد طرفین می توانند تقاضای طلاق توافقی را از ابتدا در مراکز مذکور مطرح کنند. در صورت عدم انصراف متقاضی از طلاق، مرکز مشاوره خانواده موضوع را با مشخص کردن موارد توافق جهت اتخاذ تصمیم نهایی به دادگاه منعکس می کند». پس ارجاع سایر اقسام طلاق به مراکز مشاوره الزامی نیست.

مطابق ماده ۱۹ قانون حمایت خانواده، «مراکز مشاوره خانواده ضمن ارائه خدمات مشاوره‌ای به زوجین، خواسته‌های دادگاه را در مهلت مقرر اجرا و در موارد مربوط سعی در ایجاد سازش می کنند. مراکز مذکور در صورت حصول سازش به تنظیم سازش نامه مبادرت و در غیر این صورت نظر کارشناسی خود در مورد علل و دلایل عدم سازش را به طور مکتوب و مستدل به دادگاه اعلام می کنند». بر اساس ماده ۱۰ این قانون «مرکز مشاوره از زمان وصول درخواست یا ارجاع دادگاه، باید حداکثر ظرف سه ماه اتخاذ تصمیم نماید. در صورت توافق زوجین، مهلت مذکور حداکثر تا سه ماه دیگر قابل تمدید خواهد بود».

۲. مشکلات تفکیک مراکز داوری و مشاوره

قانون فعلی از طریق مرزبندی میان مرکز مشاوره و نهاد داوری، صلاحیت‌های این دو مرکز را از هم تفکیک کرده است: دعوای طلاق توافقی در صلاحیت مرکز مشاوره و دادخواست طلاق زوج یا زوجه در صلاحیت شعب داوری قرار گرفته است. به شرحی که بیان می گردد، این وضعیت مشکلات نظری و اجرایی دارد.

۲.۱. مشکل نظری تفکیک داوری و مشاوره

به شرحی که بیان می‌شود، تحدید صلاحیت داوری و تفکیک آن از مرکز مشاوره مبنا و منطق قابل قبولی ندارد. نخست موضوع داوری در قرآن کریم تبیین و سپس عدم انطباق مقررات داوری با آن تشریح می‌شود.

۲.۲. موضوع داوری در قرآن کریم

موضوع داوری یا حکمیت در قرآن کریم «خوف شقاق» است. درباره مفهوم «شقاق» میان فقها و مفسران اتفاق نظر وجود ندارد. به اختصار به نظریه‌های موجود پیرامون مفهوم شقاق اشاره می‌گردد.

۲.۲.۱. کراهت متقابل

بعضی فقها شقاق را به «کراهت متقابل» معنی کرده و نوشته‌اند: «شقاق بین زوجین یعنی اینکه هر یک از زن و شوهر از یکدیگر کراهت داشته باشد، به نحوی که بین آن دو خصومت و دشمنی پدید آید» (ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷ق: ۳۵۳). این تعبیر در منابع دیگر نیز دیده می‌شود (محقق سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۱۹۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق: ج ۲۴، ص ۶۲۲؛ روحانی، ۱۴۱۲ق: ج ۲۲، ص ۲۵۳؛ مروارید، ۱۴۱۰ق: ج ۱۹، ص ۵۴۴). بعضی حقوق دانان نیز شقاق را معادل «مبارات» گرفته‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ج ۳، ص ۲۲۹۸) که طلاق به علت کراهت زن و شوهر از یکدیگر است.

۲.۲.۲. نشوز متقابل

بعضی دیگر شقاق را به «نشوز متقابل» تعریف کرده‌اند. اگر امتناع از ایفای وظایف همسری یک‌جانبه باشد، «نشوز» خوانده می‌شود؛ ولی اگر دوطرفه باشد، شقاق نامیده می‌شود. این بیان نیز در منابع متعددی دیده می‌شود (عاملی، ۱۴۱۳ق: ج ۸، ص ۳۶۴؛ خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۴، ص ۴۳۳؛ سبحانی، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ص ۳۰۴).

۲.۲.۳. مفهوم عام اختلاف

از بیان بعضی چنین بر می آید که شقاق به معنی اختلاف است. صاحب جواهر می نویسد: «شقاق مصدر از شَقَّ به معنای "ناحیه" است؛ گویا هر یک از زن و شوهر به سبب حصول کراهت، ارتفاع و معصیت و اختلاف با یکدیگر در ناحیه و گوشه‌ای قرار گرفته‌اند. پس شقاق به معنی خلاف و عداوت است. اولی آن است که شقاق از شَقَّ به معنی تفرّق باشد» (نجفی، ۱۳۷۴: ج ۳۱، ص ۲۰۹). همان‌طور که مشاهده می‌شود، عبارت ایشان مطلق اختلاف و تفرقه را شامل می‌گردد. مفسران نیز شقاق را به بینونت، عداوت، و مخالفت معنی کرده‌اند (طوسی، بی‌تا: ج ۳، ص ۱۹۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۷۰؛ طباطبایی، بی‌تا: ج ۴، ص ۳۴۶).

حتی اگر شقاق خصوص نشوز یا کراهت متقابل باشد، تعبیر آیه شریفه «خوف شقاق» است و این تعبیر کراهت و نشوز متقابل و علل دیگر را نیز شامل می‌گردد. البته ممکن است دلیل زوجین برای متارکه نه نشوز و نه کراهت باشد، بلکه به دلایل منطقی و موجّه بر طلاق توافق نمایند. مانند مواردی که زوجه نابارور است یا به علتی که به شوهر برمی‌گردد، نتواند صاحب فرزند شود؛ لذا داوری در قرآن کریم همه اسباب اختلاف را شامل می‌گردد. ظاهراً این قبیل طلاق‌ها از شمول آیه شریفه خارج است و آیه ناظر به اختلاف‌ها یا طلاق‌های مذموم است.

۲.۳. عدم انطباق قانون با موضوع داوری در قرآن

مبنای فقهی داوری در حقوق خانواده همان حکمیت در قرآن کریم است و موضوع حکمیت خوف شقاق است. به بیانی که در بند سابق ذکر گردید، این تعبیر مطلق اختلاف‌های خانوادگی را شامل می‌گردد و تخصیص آن به خصوص دعوای طلاق، آن‌هم طلاق زوج یا زوجه وجهی ندارد. به‌طور کلی هر آسیبی که نشانه‌ای از شقاق یا جدایی باشد، به روش حکمیت قابل بررسی است (ر.ک: هدایت‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

گفتنی است: قانون آیین دادرسی سابق نیز هرگونه اختلاف در روابط همسری را قابل رسیدگی به روش داوری^۱ قرار داده و در ماده ۶۷۶ مقرر می‌داشت: «در موارد اختلاف بین زن و شوهر راجع به سوءرفتار و عدم تمکین و نفقه و کسوه و سکنی و نیز هزینه طفلی که در عهده شوهر و در حضانت زن باشد، از طرف هر یک از زوجین طرح شود، دادگاه‌ها می‌توانند به درخواست هریک از طرفین، دعوی را ارجاع به داوری نموده...». در مورد تحدید صلاحیت مرکز مشاوره نیز همین ایراد نظری وجود دارد و تخصیص آن به دعوای طلاق، آن‌هم طلاق توافقی مبنای قابل قبولی ندارد.

با توجه به ضرورت قضازدایی و مزایای روش‌های جایگزین حل و فصل اختلاف (ADR)^۲ و نیز با توجه به ظرفیت‌های داوری در فقه اسلامی، خوب است افزون انواع طلاق، بلکه مطلق دعوای خانواده قابل رسیدگی در مراکز داوری باشد.

۲.۴. مشکلات اجرایی تفکیک صلاحیت داوری و مشاوره

تفکیک صلاحیت مراکز داوری و مشاوره غیر از مشکلات نظری که در فوق بیان گردید، مشکلات اجرایی نیز دارد. قانون فعلی به گونه‌ای است که امکان دور زدن آن توسط زوج‌های متقاضی طلاق وجود دارد. اگر مرکز مشاوره به ترتیبی که در قانون پیش‌بینی گردید، شکل گیرند، فرایند بررسی پرونده و اعلام نظر در آن داوری طولانی‌تر خواهد بود. در این صورت زوجین می‌توانند با تبانی و توافق و با هدف دستیابی سریع‌تر به

۱. میان داوری در آیین دادرسی مدنی با داوری در دعوای خانواده تفاوت‌هایی وجود دارد که بیان آنها خارج از موضوع این نوشتار می‌باشد.

۲. شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف (Alternative Dispute Resolution) به سبک و سیاق کنونی سابقه زیادی ندارد. همان‌طور که بعضی نویسندگان بیان داشته‌اند، قدمت این شیوه‌ها در کشورهایی که خاستگاه این شیوه‌هاست، به دو یا سه دهه پیش منتهی می‌شود. با وجود این توسل به شیوه‌های غیرقضایی برای حل و فصل اختلافات، سابقه‌ای پس طولانی دارد و ای، دی، آر در حقیقت شکل تکامل‌یافته نهادهای سازش یا داوری هستند که در گذشته‌های دور وجود داشته است (جنیدی، ۱۳۸۱: ۳۰؛ مصلحی و صادقی، ۱۳۸۳: ۱۲۷).

طلاق، به جای طرح دعوای طلاق توافقی یا استرداد آن، فقط یکی از آنها تقاضای طلاق نماید. در این صورت مسیر پرونده تغییر خواهد کرد.

علاوه بر آسیب مذکور در فوق، اصولاً تعدد مراکز با صلاحیت‌های مشابه مستلزم صرف هزینه‌های زائد است؛ چه اینکه هر مرکز به نیروهای انسانی، ساختمان و تجهیزات اداری نیاز دارد و مستلزم تخصیص بودجه است. با توجه به ضرورت کوچک‌سازی و چابک‌سازی سازمان‌ها، اقدام قانون حمایت خانواده به محدود کردن صلاحیت داوری و ایجاد مرکز مشاوره در عرض آن معقول به نظر نمی‌رسد. همان‌طور که پس از این خواهیم گفت، غرض قانونگذار از طریق ارتقای داوری و تکمیل اعضای آن به صورت منطقی قابل حصول است.

۳. مرکز جامع داوری و مشاوره در دعوای خانواده

مراکز مشاوره و داوری هر کدام از ظرفیت‌های خاصی برخوردار هستند؛ به گونه‌ای که هیچ کدام ما را از دیگری بی‌نیاز نمی‌نمایند. از سوی دیگر وجود دو مرکز با صلاحیت‌های مشابه نیز توجیه منطقی ندارد که دلایل آن قبلاً بیان گردید. از این‌رو بهتر است دو مرکز داوری و مشاوره در هم ادغام گردند. تلفیق مراکز مشاوره و داوری، ما را از مزایای هر دو برخوردار و از معایب آنها دور نگه می‌دارد. پیشنهاد کاربردی این نوشتار ادغام این دو مرکز در یک سازمان جامع است. این مرکز جامع را می‌توان به همان مرکز مشاوره یا داوری یا غیر آن نام‌گذاری کرد. در هر صورت این نوشتار از طرح تلفیق به مرکز جامع داوری و مشاوره تعبیر نموده و ساختار و ظرفیت‌های آن را تبیین خواهد کرد.

۳.۱. ساختار مرکز جامع داوری و مشاوره

بر اساس پیشنهاد نگارنده، مرکز جامع داوری و مشاوره، ساختار دوگانه دارد؛ بعضی اعضای آن ثابت و بعضی دیگر متغیر خواهند بود. ترکیب اعضای ثابت و متغیر مرکز جامع

به شرح زیر است:

۳.۱.۱. اعضای ثابت مرکز جامع داوری و مشاوره

برای اعضای ثابت مرکز جامع داوری و مشاوره، همان ترکیب مرکز مشاوره در ماده ۱۷ قانون حمایت خانواده جدید بسیار مناسب است؛ یعنی گروهی متشکل از روان‌شناس، روان‌پزشک، حقوق‌دان و سایر تخصص‌های مرتبط. بدین ترتیب، مرکز جامع داوری و مشاوره حداقل سه یا چهار عضو ثابت از کارشناسان مختلف خواهد داشت و با وجود این اشخاص، مرکز جامع از توان کارشناسی بالایی برخوردار می‌گردد.

گفتنی است، حضور یک حقوق‌دان یا دانش‌آموخته حوزه علمیه در تیم کارشناسی یک ضرورت است؛ زیرا تیم کارشناسی پس از شناسایی منشأ اختلاف لازم است در چارچوب احکام یا قوانین و مقررات خانواده تصمیم‌گیری نماید. از سوی دیگر، فارغ‌التحصیلان رشته مزبور از فقه و حقوق خانواده آگاهی ندارند و ممکن است تصمیم‌های آنان مغایر احکام شرعی یا قوانین و مقررات خانواده باشد. بنابراین نیازمند یک حقوق‌دان یا دانش‌آموخته حوزه علمیه می‌باشد.

۳.۱.۲. اعضای متغیر مرکز جامع داوری و مشاوره

افزون بر اعضای ثابت، مرکز جامع داوری و مشاوره اعضای متغیر نیز خواهد داشت. اقارب صاحب صلاحیت زوجین طرف دعوی، اعضای متغیر مرکز جامع داوری و مشاوره خواهند بود. ممکن است در بعضی موارد از دوستان یا مرتبطان زن و شوهر نیز به‌عنوان مطلع یا گواه در جلسات مرکز جامع دعوت به عمل آید. نیز ممکن است به اقتضای علل اختلاف زوجین، حضور افراد متخصص دیگری، غیر از آنچه در بند سابق بیان گردید، سودمند باشد. افزون بر همه آنها، زن و شوهر طرفین دعوی هستند و حضور آنان حداقل در بعضی جلسات ضرورت دارد؛ لذا آنان اعضای متغیر مرکز جامع خواهند بود.

مرکز مشاوره به ترتیبی که در قانون حمایت خانواده ذکر شده، از توان کارشناسی مطلوبی برخوردار است، ولی مشکل این است که اقارب زوجین در آن حضور ندارند. در طرح تلفیق، حضور اقارب زوجین در مرکز جامع داوری و مشاوره، آن را به طرح قرآنی حکمیت نزدیک خواهد کرد.

۳.۲. ظرفیت‌های مرکز جامع داوری و مشاوره

همان‌طور که اشاره شد، مراکز مشاوره و داوری هر کدام مزایایی دارند و بر این اساس طرح تلفیق، ظرفیت‌های مثبت هر دو را جمع می‌نماید و از این طریق توان دادگاه خانواده در حفظ کیان و بقای خانواده ارتقا می‌یابد. ظرفیت کارشناسی و اصلاحی مرکز جامع به شرح زیر است:

۳.۲.۱. ظرفیت کارشناسی مرکز جامع داوری و مشاوره

ریشه یا علل مشکلات خانواده از جهتی به درونی و بیرونی تقسیم می‌گردند. عدم آگاهی زوجین از مهارت‌های همسراری یا زناشویی، ابتلای زوجین به اختلال‌های جنسی، بیماری‌های روانی، امراض مقاربتی و مانند آن علل درون‌خانوادگی مشکلات آنان است. گاهی ریشه مشکلات زوجین مداخله‌های اطرافیان و علل برون‌خانوادگی است. ظرفیت کارشناسی مراکز مشاوره و داوری در مشکلات مزبور متفاوت است. مرکز مشاوره یک تیم کارشناسی است و این وضعیت می‌تواند توان کارشناسی مرکز مشاوره را در خصوص مشکلات درون‌خانوادگی یا مشکلات فردی و میان‌فردی ارتقا بخشد. درحالی‌که داوری یا حکمیت در قانون حمایت خانواده چنین ظرفیتی ندارد. اما در خصوص مشکلات برون‌خانوادگی یا فرافردی وضعیت به‌عکس است. اعضای مرکز کارشناسی با زوجین رابطه خویشاوندی ندارند و به همین دلیل به‌آسانی نمی‌توانند علل برون‌خانوادگی را شناسایی نمایند. درحالی‌که داوری می‌تواند چنین کارکردی داشته باشد.

با توجه به آنچه بیان گردید، تلفیق مراکز مشاوره و داوری به ارتقای توان کارشناسی مرکز جامع می‌انجامد. گروهی متشکل از کارشناسان و خویشان زوجین به آسانی می‌توانند علل فردی، میان‌فردی و فرافردی مشکلات خانواده را شناسایی و برای آن راه‌حل ارائه نماید.

۳.۲.۲. ظرفیت اصلاحی مرکز جامع داوری و مشاوره

در بند سابق ظرفیت کارشناسی مرکز جامع داوری و مشاوره تبیین گردید و روشن شد که مرکز مزبور با توجه به ترکیب اعضای آن قادر خواهد بود علل واقعی اختلاف را شناسایی و برای آن راه‌حل دهد. اینک اشاره می‌گردد که تصمیم‌ها یا مصوبات مرکز جامع در جهت اصلاح میان زوجین و پیشگیری از طلاق واقع‌بینانه بوده و همین خصوصیت آن را از قابلیت اجرایی برخوردار می‌نماید. افزون‌براین ممکن است زوجین در مقابل تصمیم‌ها یا مصوبات مرکز جامع مقاومت نمایند و آن را نپذیرند. حضور اقارب بانفوذ و مطلع زوجین به مرکز جامع کمک می‌کند از نفوذ آنان برای متقاعد ساختن زوجین و انصراف آنان از طلاق بهره جویند. از سوی دیگر، حل ریشه‌ای اختلاف نیازمند نظارت بر اجرای تصمیمات مرکز جامع است. حضور اقارب زوجین در مرکز جامع این امکان را فراهم می‌آورد که بتواند بر فرایند اجرای مصوبات خود نظارت کند و در صورت لزوم، جلسات خود را با دعوت از زوجین تکرار نماید و از بازگشت آنان به وضعیت سابق پیشگیری کند.

قبلاً اشاره گردید که قوانین فعلی صلاحیت مرکز کارشناسی و داوری را به دعوای طلاق محدود کرده است. اینک لازم است اشاره شود که مرکز جامع با توجه به توان کارشناسی و اصلاحی ذکرشده می‌تواند مرجع قابل اعتمادی برای رسیدگی غیرقضایی به همه مشکلات خانواده باشد و بار سنگین محاکم قضایی را کم نماید.

نتیجه

مراکز داوری و مشاوره هر کدام ظرفیت‌هایی در حل مشکلات خانواده دارند. با وجود این تفکیک این مراکز و تحدید صلاحیت آنها مشکلات نظری و اجرایی دارد. پیشنهاد کاربردی این نوشتار تلفیق مراکز داوری و مشاوره و ایجاد مرکز جامعی است که بتواند ظرفیت‌های مراکز یادشده را در خود جمع نماید و از معایب آن دور باشد. مرکز جامع داوری و مشاوره از اعضای ثابت و متغیر تشکیل می‌گردد. تیمی از کارشناسان مرتبط با دعاوی خانواده به ضمیمه زوجین و اقارب صاحب صلاحیت آنان، قادر خواهند بود ریشه مشکلات میان زوجین را شناسایی و برای آن راه‌حل ارائه نمایند. با توجه به حضور خویشان زوجین، مرکز جامع به نهاد قرآنی حکمیت نزدیک می‌شود و درجه تأثیرگذاری آن در زوجین به منظور سازش و پیشگیری از طلاق افزایش می‌یابد.

منابع

قرآن کریم.

۱. سید رضی، محمد بن حسین موسوی، نهج البلاغة، مصحح: عزیز الله عطاردی، قم: مؤسسه نهج البلاغه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲. ابن زهرة حلبی، حمزة بن علی، غنية النزوع، قم: مؤسسة الإمام الصادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۳. ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقائیس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن فهد الحلّی، احمد بن محمد، المذهب البارع، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
۵. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، بیروت: دار الكتاب العربی، بی تا.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۷. اسدی حلّی، ابی منصور حسن بن یوسف بن مطهر، مختلف الشیعة، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۸. بحرانی، یوسف بن أحمد، الحدائق الناظرة، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۱۰. جنیدی، لعیاء، اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۱. حلّی (محقق)، جعفر بن الحسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: امیر، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.

۱۲. حلی، احمد بن ادريس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۱۳. خوانساری، سید احمد، جامع المدارك، تهران: مكتبة الصدوق، چاپ دوم، ۱۳۵۵.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق - بیروت: دارالعلم - الدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۵. روحانی، سید محمدصادق، فقه الصادق، قم: مؤسسة دار الکتاب، چاپ سوم، ۱۴۱۲ق.
۱۶. زیدان، عبد الکریم، المفصل فی احکام المرأة و بیت المسلم، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۱۷. سبحانی، جعفر، نظام النکاح، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۱۸. سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الأحکام، قم: مکتب آية الله السيد السبزواری، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
۱۹. طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، بی تا.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، بی تا.
۲۳. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

۲۴. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ ششم، ۱۴۱۲ق.
۲۵. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد، کفایة الاحکام، قم: مکتب آیه الله السید السبزواری، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
۲۶. مروارید، علی اصغر، سلسله الینابیع الفقہیة، بیروت: مؤسسه فقه الشیعة، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۲۷. مصلحی، علی حسین و محسن صادقی، نامه مفید، «نگاهی به شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات»، شماره ۴۶، ۱۳۸۳.
۲۸. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تهران: المکتبة الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
۲۹. هدایت‌نیا، فرج‌الله، «داوری اجباری در دعاوی خانوادگی»، مجله تخصصی فقه و حقوق، شماره ۷، ۱۳۸۵.
۳۰. _____، داوری در حقوق خانواده، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷.